



صفحه حزب ۳
 رویدادهای ایران ۴
 نگاهی به اخبار جهان ۴
 از نشریات داخل ۴

اعتصاب کارگران دانمارک | شرط اول تامین امنیت مردم ایران...

درحاشیه اظهارات صفوی، فرمانده سپاه پاسداران

صفحه ۴

صفحه ۴

منصور حکمت

آزادی بیان از نوع دوم

شبحی بر فراز اروپا (و تاحدودی آمریکا و کانادا) چرخ میزند! سوالی تاریخی محافل سیاسی تازه دموکرات و اخیراً "دگر اندیش" ایرانی در خارج کشور را آشفته و سر درگم کرده است. معضلی عمیق و فلسفی طرح شده است که پاسخی ژرف میطلبد: آزادی بیان.

اما اشتباه نکنید. صحبت بر سر آزادی بیان ما مردم، ما زنان، ما کارگران، ما کمونیستها، ما آته ایستها، ما دوستداران علم و هنر و زیبایی و عدالت و حقیقت و شادی در ایران نیست. خیر، بحث این محافل بر سر آزادی بیان رژیم و شخصیتهاش در خارج کشور است! سوال اینست آیا ما نیروها و افراد مخالف رژیم در خارج کشور آنقدر از این بیست سال آموخته ایم، آیا آنقدر از چشمه گوارای انتخاب رهانیبخش سید محمد خاتمی به راس قوه مجریه رژیم اسلامی سیراب شده ایم، آیا آنقدر "تمرین دموکراسی" کرده ایم که همصدا با ولتر فریاد برآوریم که حاضریم جانمان را بدهیم تا لاجوردی ها و مهاجرانی ها و سروش ها در خارج کشور بتوانند آزادانه حرفشان را بزنند؟!

شاید کسانی که در ایران زیر لگد اسلامند و این سطور را میخوانند از این فضای مالیخولیایی حیرت کنند. اما باور کنید واقعیت دارد. این سوال مسخره، گاه حتی به همین زمختی، به روی مخالفان جدی رژیم در خارج کشور پرتاب میشود. و اگر فکر میکنید این "آزادی خواهی" معوج مثلاً پرچم نسلی است که فرضا در خارج بدنیا آمده و شاید ایران را نمیشناسد، اشتباه میکنید. در این صف پر افتخار، هستند کسانی که هنوز سالگرد تشکیل سازمان چریکی و عروج مشی مسلحانه شان در ۳۰ سال قبل را جشن میگیرند، کسانی که هنوز خاطرات زندانشان در رژیم شاه و رژیم اسلامی موضوع اصلی گپ شب عیدشان است، کسانی که هنوز نمیتوانند تعداد دقیق عزیزان و یارانشان را که در رژیم اسلامی به جوخه های اعدام سپرده شده اند شمارش کنند. مالیخولیایی است، اما این مالیخولیا از حقیقتی مهم مایه میگیرد. عمیقاً عقلایی است. چرخشهای سیاسی مهمی در ایران و در اپوزیسیون ایران در جریان است.

یک فضای قطبی و شدت پر بار بدنبال آکسیونهای رو به رشد حزب کمونیست کارگری علیه حضور و ابراز وجود مقامات و شخصیتهای رژیم اسلامی در خارج کشور بوجود آمده است. فریاد اعتراض این آزادیخواهان نوین از هر منفذی برخاسته است. طومار جمع میکنند، تحریف میکنند، جعل میکنند، هشدارمیدهند، برچسب میزنند. ما از این فضا استقبال میکنیم. به حکم اوضاع داخل ایران، به حکم اعتصابات کارگری و موج اعتراضات رو به رشد مردم، به حکم برخاستن زنان، زمان تفکیک سیاسی جدی نیروهای اپوزیسیون فرا رسیده است. صف مخالفین واقعی رژیم باید برجسته و تفکیک شود. مردم باید انقلابیون را از خائسیون و آزادیخواهان را از توجیه گران رژیم اسلام تمیز دهند. با هر طومار و هر رادیوی محلی و هر اطلاعیه سیاسی-هنری در خارج که حزب کمونیست کارگری و آکسیون هایش علیه مقامات رژیم را بنام نامی آزادی بیان محکوم میکند، صف واقعی مبارزه برای آزادی بیان در ایران صد بار بیشتر با نام کمونیسم و با حزب کمونیست کارگری جوش میخورد.

اما بالاخره آزادی بیان چه میشود؟ در این باره باید بعداً نوشت. در این فاصله سعی کنید برای یک آکتیویست سابق جنبش ضد پینوشه، برای یک مبارز پیر ضد فاشیست، برای یک پیشکسوت مبارزه با رژیم آپارتاید، برای یک زن مبارز مخالف اوباش طالبان، برای یک معدنچی یورکشایر تعریف کنید که در سال ۱۹۹۸ عده ای بنام آزادی بیان، قربانیان و مخالفین رژیم اسلامی در خارج کشور را از بیعت کردن، شعار دادن، سد معبر کردن، تظاهرات و اشغال سالن و غیره برای جلوگیری از پروپاگاندا و پا سفت کردن رژیم اسلامی در خارج کشور بر حذر داشتند. آنها به شما خواهند گفت که این آزادیخواهی بدلی از کجا مایه میگیرد و چقدر کهنه و پاخورده و آبرویافته است.

در این میان یک چیز دارد بیش از هر زمان مسجل میشود: هر مخالف آزادیخواه رژیم اسلامی، دیگر باید به حزب کمونیست کارگری پیوسته.

تظاهرات هزاران نفر از مردم تهران علیه جمهوری اسلامی

*** مردم خشمگین با نیروهای انتظامی و ماموران شهرداری ساعتها به زدوخورد پرداختند، با آتش زدن لاستیک و ماشینهای دولتی خیابانها را مسدود کردند و ساختمان شهرداری منطقه ۱۸ را درهم کوبیدند.

*** بنا به یک گزارش در این درگیری تعدادی زخمی و صدها نفر دستگیر شدند.

روز دوشنبه ۱۴ اردیبهشت حوالی خیابان زرنند تولیدارو در تهران کشته شدن جوان دستفروش به نام الیاس نوروزی به تظاهرات مردم علیه مامورین رژیم تبدیل شد. الیاس نوروزی در حال فرار از دست ماموران شهرداری در اثر تصادف بقتل رسید. هزاران نفر از مردم بجان آمده از فشارهای رژیم اسلامی و گرانی و بیکاری روزافزون به خیابانها ریختند و با سنگ و آجر و بطری به ماموران جمهوری اسلامی حمله بردند. تظاهر کنندگان با آتش زدن ماشین های دولتی و لاستیک، خیابان را مسدود کردند و به ساختمان ستاد سد معبر شهرداری منطقه ۱۸، که در همان نزدیکی قرار دارد، حمله بردند و در و پنجره آنرا کاملاً در هم شکستند. در جریان این تظاهرات چند صد نفر از تظاهر کنندگان توسط سرکوبگران جمهوری اسلامی دستگیر شده اند.

تظاهرات اخیر در جنوب تهران تنها جلوه دیگری از این خواست کارگران و مردم ایران است که رژیم اسلامی این رژیم جنایت و استبداد و گرانی و بیکاری باید برود. مردم ایران نشان میدهند نه زیر بار عریده کشیدن لپینها و چاقو کشانی چون فرمانده سپاه پاسداران میروند که اعلام فرموده که باید گردن زد و زبان برید و نه حاضرند علم خاتمی و کرباسچی را بدوش بکشند و به گوشت دم توپ کشمکشهای درونی رژیم تبدیل شوند. خواست مردم ساده است. رژیم اسلامی باید برود.

**مرگ بر جمهوری اسلامی !
زنده باد حکومت کارگری !**

**حزب کمونیست کارگری ایران -
کمیته داخل**

۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۷

بساط عاشورای جمهوری اسلامی در آلمان توسط فعالین حزب کمونیست کارگری برچیده شد

بنا به اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- آلمان، روز پنجشنبه ۸ ماه مه ۱۹۹۸ سفارت جمهوری اسلامی در آلمان که بعنوان یکی از مراکز مهم طراحی و اجرای ترور در خارج از کشور شناخته شده است تصمیم به برگزاری مراسم روز عاشورا در "خانه ایران" شهر کلن میگیرد. فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در شهر کلن در اعتراض به حضور و تجمع مزدوران رژیم، مقابل "خانه ایران"، درمحل برگزاری مراسم، دست به تظاهرات میزنند. شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی!" و "این لانه جاسوسی تعطیل باید گردد!" مزدوران را به وحشت می اندازد. ملای روضه خوان، که بطور اتفاقی با صف تظاهرکنندگان برخورد کرده بود به داخل لانه جاسوسی رژیم فرار میکند. چماقداران رژیم <آ> به تظاهرکنندگان حمله می کنند، اما این حمله در همان لحظه اول پاسخ قاطعی می گیرد و مزدوران حزبالله به لانه جاسوسی عقب می نشینند. تظاهرکنندگان همچنان به دادن شعار علیه جمهوری اسلامی ادامه میدهند، مزدوران رژیم تلاش می کنند با نیروی بیشتر به تظاهر کنندگان حمله کنند اما مداخله پلیس امکان درگیری مجدد را مسدود می کند.

خبر تظاهرات اعتراضی فعالین حزب کمونیست کارگری علیه مراسم گذاری مزدوران رژیم اسلامی در آلمان، در نشریات داخل انعکاس وسیعی یافت و ازجمله روزنامه جمهوری اسلامی در شماره یکشنبه ۲۰ اردیبهشت سرمقاله و دو مطلب دیگر خود را به این مساله اختصاص داد. در حالیکه وزارت خارجه رژیم اسلامی در قبال این تظاهرات اعتراضی به دولت آلمان اعتراض کرد، نشریات وابسته به رژیم نیز با انعکاس پر سر و صدای این موضوع در آستانه سفر هیاتتی از جانب دولت آلمان برای مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی، وزارت خارجه رژیم را فراخواندند فشار بیشتری بر دولت آلمان به منظور اعمال محدودیت

ادامه در صفحه ۲

آذر ماجدی صفحه ۲ حمله به زنان ریشه های مرگ جمهوری اسلامی

در کنگره دوم حزب

فضای سرشار از شوق دیدار، تازه رسیده ها را در خود می گرفت و هردم شورانگیزتر می شد. بیشتر شرکت کنندگان بار اول بود هم را می دیدند. محیط کنگره، تجمع صدوسی فعال کمونیست از نقاط مختلف جهان، آغوش بزرگی بود از گرمی و صمیمیت و همدلی، حاصل سالیان همزیمی در راه اهداف انسانی و رادیکال. کنگره و مجموعه فعالیتهای پیرامونی اش، تجمعی جدی، جدلی، مصمم، فکور، پابزمین و همزمان، شاد و سرحال از شلیک خنده ها و شکفتگی چهره ها بود. شرکت کنندگان، اعم از نمایندگان و رفقای هممان و رفقای حزب کمونیست کارگری عراق، همگی دست اندرکاران عرصه های متنوع فعالیت حزبی بودند و بخاطر اینکه امکان تجمعی با چنین تنوع، آسان دست نمیدهد، زمانبندی طوری بود که علاوه بر دستور رسمی کنگره، "workshop" های تخصصی ویژه برگزار گردد تا به بعضی ارگانهای حزبی، نهادهای، نشریات و کمیتهها مجال تبادل نظر حول خطوط کلی دور آتی فعالیتشان داده شود. با فشردهگی کار کنگره و این سمینارها متأسفانه وقت چندانی برای استراحت باقی نماند، باینحال همگی تا پایان کار بیش از همیشه شاد و شارژ بودند و هنگام ترک محل کنگره انگار قدم از قدم کسی پیش نمی رفت.

روال عملی کنگره

کنگره با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت برای کرامیداشت یاد جانباختگان راه سوسیالیسم و سخنرانی افتتاحیه منصور حکمت آغاز شد. پس از تصویب اعتبارنامه های نمایندگان و آئین نامه و دستور جلسات کنگره و پیش از شروع مباحث، پیامهای کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق، طاهر حسن عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق و حکمت کوتانی، دبیر سابق کنفدراسیون اتحادیه های کارگری عراق و کادر کنونی حزب کمونیست کارگری عراق خوانده شد. گزارش به کنگره و بدنبال آن پرسش و پاسخ راجع به زوایای گوناگون پراتیک و سیاستهای حزب، زمینه بحث مرکزی و دورنمایی کنگره یعنی "حزب و قدرت سیاسی" را فراهم آورد. معرفی این مبحث توسط منصور حکمت و سپس اظهار نظر وسیع شرکت کنندگان حول آن چنان گیرائی داشت و زمان اضافی می طلبد که بند "اوضاع سیاسی ایران" از دستور حذف شد. در آخرین بخش کنگره، یک کمیته مرکزی ۲۵ نفری برگزیده شد (اسامی اعضای کمیته مرکزی در اطلاعیه پایانی کنگره، مندرج در ایسکرای ۴، اعلام شده است) و کنگره با سخنرانی اختتامیه منصور حکمت و سرود انترناسیونال به سه روز کار فشرده خود پایان داد.

سمینارهای ویژه

سمینارها و نشستهای ویژه ای که توسط کمیته ها و مسئولین حزبی، نشریات، نهادهای و کمیته های پیرامونی حزب در کنار جلسات رسمی کنگره تشکیل شدند عبارت بودند از: جلسه نشریه مدوسا و کانون زن و

ادامه در صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری

سوسیالیسم، توسط آذر ماجدی، مینا احدی و آذر مدرسی، جلسه کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران، مریم کوشا، جلسه همبستگی-فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی از سوی تریا شهابی، بهروز میلانی، مریم نمازی و کیوان جاوید، نشست هفتم کمیته کردستان حزب، جلسه کمیته داخل با شماری از رفقای مرتبط با این عرصه، جلسه بحث آزاد حول رابطه حزب و اتحادیه های کارگری زیر نظر نسرين جلالی، گفت و شنود با حکمت کوتانی درباره تاریخ جنبش کارگری و سوسیالیستی در عراق، جلسه نشریه پوشه توسط سیاوش مدرسی، جلسه مالی زیر نظر مجید محمدی و اسد نودیبنیان، جلسه دفتر افغانستان زیر نظر فرهاد بشارت، جلسه بررسی موقعیت زنان در حزب و چند جلسه بحث آزاد دیگر حول مسائل واحدهای حزب.



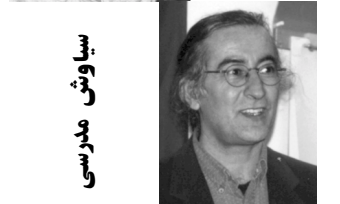
تریا شهابی



مینا احدی



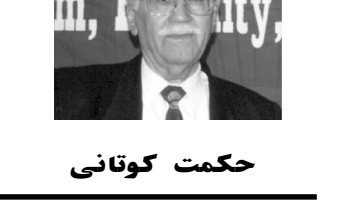
مریم کوش



بهروز میلانی



مسن ترین و جوان ترین چهره کنکوه



حکمت کوتانی

اسرین محمدی



از زبان چند چهره حکمت کوتانی:

"بنا به دعوتی که خوشبختانه موفق به اجابتش شدم، در کنگره دوم حزب کمونیست کارگری ایران حضور یافته و آنچه با چشمانم دیدم توقعات بالای کمونیستهای ایران بود در برنامه ریزی جدی و طرح و تصویر مسائل و موضوعاتی که حزب را برای رهبری انقلاب آتی و دخالت در سرنوشت قدرت سیاسی آماده میکند. با دیدن آنهمه انسجام و صمیمیت میان شرکت کنندگان کنگره، شدیداً احساس شادی و غرور کردم. همچنین از استقبالی که در کنگره از طرحهای رهبری حزب شد احساس سعادت وافری به من دست داد. معتقدم آنچه کنگره به آن دست یافت در سطح رویارویی با واقعیات سیاسی جاری بود و بر شایستگی این حزب برای انجام نقش تاریخی اش در حیات جامعه گواهی میدهد. شکر!" (حکمت کوتانی)

اسرین محمدی:

"اول بار بود خودم را در جمعی به این بزرگی، بین آدمهای زیادی که مثل هم فکر میکردند، می دیدم. تعداد کمی را میشناختم ولی از همان ساعتها اول با خیلها و حتی همه احساس نزدیکی و صمیمیت کردم. گرچه من بیشتر در کشور کوچک سوند فعال بودم ولی همه آنهايي که در کنگره بودند، از ایران و عراق تا کانادا و آمریکا و کشورهای اروپایی، مرا میشناختند و درباره کارهایم با علاقه حرف میزدند. این علاقه و تشویق آنها در برابر کارهای کوچک من، بالاتر از انتظارم بود و غافلگیرم کرد. وقتی صحبتهای منصور حکمت را شنیدم که میگفت اگر دنیا دست ما بود چه میکردیم، متوجه شدم کاری که من کرده ام جزء خیلی کوچکی از آن توقع و آرزوی انسانی است. ممنوعیت حجاب کودکان و حقوق کودک تازه

یک گام در جهت جامعه ای انسانی و برابر است که اگر دنیا دست ما باشد آن را میسازیم. در پایان این کنگره احساس توانایی بیشتری میکنم. به خودم قول دادم از تجارب و رفاقت همه این دوستان جدید استفاده کنم. امیدوارم آنها هم برای دریافت و جواب نامه ها و مکالمه های تلفنی من آماده باشند و عصبانی نشوند." (اسرین محمدی)

مریم نمازی

"شرکت در کنگره حزب با دیگر رفقای کمونیست پرافتخارترین لحظه زندگی من بود. به خودم گفتم روزهای جستجویم با پیوستن به این حزب تمام شده است و جایگاه خود را پیدا کرده ام. جایگاهی در صف حزبی که برای کسب قدرت سیاسی و یک زندگی بهتر برای امروز انسانها مبارزه می کند. حزبی که با روشن بینی سیاسی و انسانی ترین برنامه و رفتار، تنها آترناتیو برای من و میلیونها انسان است. به خودم گفتم جهان یک بار دیگر شاهد انقلاب اکتبر دیگری خواهد بود، با حزیش، لنینش و طبقاتی که سعادت را عمومی خواهد کرد." (مریم نمازی)



مریم نمازی

مباحث کنگره

سخنرانی افتتاحیه و "گزارش به کنگره"، موقعیت حزب را، هر یک از زاویه ای؛ اولی دوره ای تر و دومی کنکرت تر، تصویر کردند. در بخش پرسش و پاسخ، که منصور حکمت و اصغر کریمی به سوالات پاسخ میدادند و یا بعضاً خود سوالات و مسائلی را طرح میکردند، جنبه های عملی تر سیاستهای حزب در دوره گذشته به تفصیل واری شد و شرکت کنندگان کنگره در تصویری که رهبری حزب از موقعیت سیاسی و عملی حزب داشت دقیق تر شریک شدند و اجزاء آن را در چارچوب سراسری تری بازبینی کردند.

در میث "گزارش" به موقعیت عینی ویژه ای که حزب در آن قرار دارد اشاره شد. اساس این موقعیت ویژه اینست: از یکسو محور فعالیت حزب کمونیست کارگری سازماندهی طبقه کارگر ایران و برپایی یک انقلاب کارگری در ایران است. حزب، بورژوازی ایران و دولت اسلامی را دشمن بلافصل و رودرروی خود تعریف میکند، ایران را محیط اصلی فعالیت خود میداند و برنامه و شعارهایش را برای جامعه ایران طرح و اعلام میکند. از سوی دیگر در همان حال نظیر همه احزاب سیاسی مخالف رژیم اسلامی، حزب کمونیست کارگری یک حزب غیرقانونی است که اساس موجودیت سازمانی اش، رهبری، نشریات، فعالین و کادرایش، اشکال مختلف ابراز وجود علنی اش، امکانات مادی اش و غیره در خارج کشور است. این وضعیت میتواند به دو نگرش نادرست به فعالیت حزب میدان بدهد:

یک نگرش از خارج کشور یک دنیای سیاسی درخود و کمابیش خودکفا میسازد. حزب در این دنیا زندگی و فعالیت میکند و با کارش در این دنیا قضاوت میشود. این نگرش با موقعیت عینی اجتماعی و زیستی آن سیاسی کاران قدیمی تبعیدی ایرانی خوانایی دارد که از نظر زیستی و اقامتی در خارج کشور جایگیر و ماندگار شده اند بی آنکه هنوز از نظر فرهنگی و سیاسی و روابط اجتماعی در جوامع جدید ادغام شده باشند. حزب بخشی از زندگی سیاسی این قشر در این کشورها تلقی میشود. در این دیدگاه موقعیت تبعیدی حزب و سایر گروهها و احزاب سیاسی به یک مشخصه کمابیش پابرجا و هویتی و مفروض آنها بدل میشود. نگرش عکس، که در محافل ایرانیان غیرمتمشکل مقیم خارج گرایش غالب است، فقط به رویدادها و نیروهای داخل ایران اصالت میدهد و احزاب سیاسی تبعیدی و فعالیتهایشان را صرفاً در حاشیه آن بستر اصلی و بی تاثیر بر تاریخ و روندهای جامعه می بیند. این نگرشی است که بویژه توسط رادیوها و رسانه های رو به ایران،

نظیر رادیو اسرائیل، بی بی سی و نیز رادیوهای فارسی زبان دولتی و نیمه دولتی در کشورهای مختلف و خود بلندگوها و هواداران جمهوری اسلامی به آن دامن زده میشود. توجه این محافل به جریانات سیاسی مجاز داخل کشور است و از این دیدگاه فعالیت حزب در خارج کشور بی تاثیر تلقی میشود. یک تفسیر فعال از چنین موضعی میتواند گذاشتن شاخص فعالیت در داخل و داشتن اعضای داخل کشوری و ارتباط با محافل داخل بعنوان ملاکهای اصلی قضاوت احزاب باشد. در سوی دیگر تفسیر نافع از این دیدگاه، که بویژه در میان قدیمی کارهای سرخورده، به چشم میخورد، کنار گذاشتن فعالیت متشکل تحت عنوان بیحاصل بودن آن است. افراد و قدامت کردن طیفی از تشکیلات پرست ترین چپی های دوران انقلاب ۵۷، تحت عنوان روشنفکر منفرد و روزنامه نگار و پژوهشگر دموکرات و حتی خاتمی چی در خارج کشور با این دیدگاه خوانایی دارد.

هیچیک از این دو دیدگاه حقیقی نیست. درحالیکه روشن است که محیط سیاسی اصلی برای همه احزاب باید داخل کشور باشد، جایگاه ویژه خارج کشور و فعل و انفعال سیاسی ای که در آن صورت میگیرد در کل حیات سیاسی ایران و در سیر تکوین احزاب سیاسی ای که در ادامه تحولات جاری ایران نقش تعیین کننده بازی خواهند کرد قابل انکار نیست. در ارزیابی موقعیت و فعالیت حزب کمونیست کارگری ایران باید رابطه حقیقی میان این دو حوزه فعالیت (داخل و خارج) و جایگاه هریک در روند پیدایش و آمادگی و قدرتیگری حزب کمونیست کارگری را شناخت و بحساب آورد. از نقطه نظر آینده سیاسی ایران، خارج و داخل بسترهای یک تحول تاریخی واحد و یکپارچه اند. فعل و انفعالات سیاسی در این دو حوزه هم در هر لحظه و هم در یک توالی تاریخی به یکدیگر مربوطند و بر هم تاثیر میگذارند. بعلاوه تا آنجا که به سیر شکل گیری و رشد حزب کمونیست کارگری و سایر احزاب تحت سرکوب و غیر قانونی مربوط

میشود، فعالیت در داخل و خارج لحظات و مولفه هایی از پیدایش یک پدیده واحد سازمانی اند و هر یک جایگاه ویژه خود را در مراحل مختلف سیر تکوین سازمان دارند. و بالاخره روشن است که هر حوزه بنا بر ماهیت خود ظرف و بستر روندها و فعل و انفعالات ویژه ای است که فقط یا اساساً در آن حوزه موضوعیت پیدا میکنند. برای مثال بدیهی است که اعتصابات کارگری باید در داخل کشور سازمان یابند، اما حوزه اساسی رشد و گسترش نقد مارکسیستی یا برنامه کمونیستی در جامعه ایران در این مقطع خاص، نظر به اختناق حاکم بر ایران، اساساً خارج کشور است. حزب کمونیست کارگری در این مقطع یک حزب سیاسی در حال گذار است. از یکسو هم اکنون در یک سلسله روندها و فعل و انفعالات مهم اجتماعی، سیاسی و فکری دخیل است و در عین حال، در تدارک برای یک دخالتگری وسیع در کل سرنوشت سیاسی جامعه است. ارزیابی موقعیت و فعالیت این حزب باید ویژگی موقعیت و شرایط ناظر بر فعالیت حزب و مرحله کنونی در سیر تکوین حزب را به حساب بیاورد

(در ادامه این رپرتاژ، در شماره آتی ایسکرا مصاحبه با منصور حکمت راجع به آنچه در سخنرانی افتتاحیه و در معرفی میث "حزب و قدرت سیاسی" به کنگره دوم حزب ارائه داد درج خواهد شد)

رحمان حسین زاده



هفتمین نشست وسیع کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

هفتمین نشست وسیع کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران با شرکت اکثریت اعضا کمیته و اعضای از کمیته داخل حزب در نیمه آوریل ۹۸ (فروردین ۷۷) در جنب کنگره دوم حزب برگزار شد. دستور جلسه تعیین اولویتهای عملی و تصمیمات کنکرت برای دوره آتی فعالیت کمیته در پرتو مباحث و جهتگیری های کنگره بود. در پایان نشست طبق روال روتین انتخابات برگزار گردید و فاتح شیخ الاسلامی، حسین مرادبیگی، صالح سرداری، اسد گلچینی، مجید حسینی، مظفر محمدی و رحمان حسین زاده بعنوان اعضا هیات اجرائی، همچنین رحمان حسین زاده بعنوان دبیر و اسد گلچینی بعنوان معاون دبیر کمیته انتخاب شدند.

هیات اجرائی کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۱۸ آوریل ۹۸ (۲۹ فروردین ۷۷)

است. در خارج از ایران اما این وظیفه کلیه نیروهای آزادیخواه است که همراه با مردم آزادیخواه در ایران جنایات هر روزه و کلیت رژیم را بحاکمه بکشند و مبارزه قاطعانه و گسترده ای را برای برچیدن بساط رژیم در خارج کشور سازمان دهند.

ما اجازه نخواهیم داد رژیم توحش اسلامی فضای خفقان خود را بخارج هم بکشاند. حزب کمونیست کارگری ایران قاطعانه برای ممانعت از حضور و هرگونه فعالیت جمهوری اسلامی در خارج کشور تلاش خواهد کرد و همه نیروهای آزادیخواه و مترقی را فرامیخواند که گستاخی و تلاشهای مذبحخانه رژیم اسلامی ایران را قاطعانه پاسخ گویند. هیچ دادگاه و دولتی و هیچ نیروی سیاسی مرتجع و سازشکاری نمیتواند به این رژیم مشروعیت بدهد. رژیم اسلامی ایران جنایتکار است و بهمین دلیل هم باید سرنگون شود.

مخالفت خود در همین آلمان و در جریان میکونوس بعنوان تروریست محکوم شده اند. این همان رژیمی است که تظاهراتهای مخالفین در داخل کشور را به گلوله میبندد، اعتصاب کارگران را با زندان و شکنجه پاسخ میدهد، سنگسار میکند، روزنامه نگاران ناراضی را شکنجه و زندان میکند و یا مثل مورد اخیر مرتضی فیروزی را به مرگ با سنگسار محکوم میکند. به چنین رژیمی نه فقط حق ماندن و فعالیت نباید داد بلکه باید سران آن باتهام جنایت علیه بشریت به محاکمه کشیده شوند.

جواب رژیم اسلامی را کارگران و مردم آزادیخواه در داخل کشور دارند میدهند. اعتصابات کارگری، اعتراضات مردمی و شعارهای مرگ بر خاتمی و خامنه ای، واقعیتهای جامعه امروز ایران و موضع مردم بجان آمده علیه رژیم در فضای پر از اختناق ایران

محافظت میشود. فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در آلمان بار دیگر در روز ۸ مارس ۱۹۹۷ در مقابل این مرکز تظاهرات افشاگرانه ای را سازمان داده بودند.

رژیم اسلامی ایران در سرازیری سقوط محتملش مذبحخانه در تلاش برای تحمیل حضور سیاسی خود در خارج کشور است. برگزاری مراسم مذهبی، ارسال سفیران ادبی و هنری، شرکت در کنفرانسهای بین المللی، اعزام جاسوس و چماقدار و تروریست با تائید و همراهی آشکار و پنهان بخشی از اپوزیسیون طرفدار خود، تلاش رژیم برای تحمیل خفقان در خارج کشور است و اکنون مساله تعقیب اپوزیسیون در اروپا باید هر نیروی آزادیخواهی را به عکس العملی در خور این رژیم وادارد.

رژیم ضدکارگر جمهوری اسلامی، رژیم صدهزار اعدام، رژیم سنگسار، رژیم آزادی کش و خفقان و ترور است. سران این رژیم به جرم ترور

ادامه از صفحه ۱

بساط عاشورای جمهوری اسلامی در آلمان...

ایران" کلن، در روز ۸ مه و برهم خوردن مراسم مزدورانش توسط فعالین حزب کمونیست کارگری ایران، به تکاپو افتاده است تا با احضار به سفیر آلمان در تهران و اعتراض به تظاهرات فعالین حزب کمونیست کارگری ایران و درخواست تعقیب تظاهر کنندگان عواقب این افتضاح سیاسی را برای خود کاهش دهد. در ادامه اطلاعیه آمده است:

"خانه ایران" یکی از اماکن جمهوری اسلامی در آلمان و پوششی برای توطئه، سازماندهی ترور و جاسوسی علیه نیروهای اپوزیسیون است. این محل ۲۴ ساعته توسط پاسداران رژیم

بر اپوزیسیون و فعالین حزب کمونیست کارگری وارد آورد. تشکیلات خارج کشور حزب در فضای فعالیت اپوزیسیون خارج کشور با همکاری دول مربوطه، در اطلاعیه مورخ ۱۱ مه با عنوان: تلاشهای رژیم اسلامی علیه اپوزیسیون را در هم خواهیم شکست! اعلام کرد که رژیم اسلامی ایران پس از شکست در برپائی مراسم عاشورا توسط "خانه

ایسکرا
سردبیر: فاتح شیخ الاسلامی
E-Mail: fa.shaik@swipnet.se
همکار فنی: غلام اکبری

در گرامیداشت اول مه

بمناسبت بزرگداشت اول مه و به فراخوان تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق و ایران مراسمهایی در کشورهای مختلف اروپا، کانادا و آمریکا برگزار شد. در این مراسمها که در لوس آنجلس (آمریکا)، کلن، هامبورگ و کاسل (آلمان)، سیدنی (استرالیا)، لندن (انگلیس)، استکهلم و گوتنبرگ (سوئد)، هلسینکی (فنلاند) و تورنتو، ونکوور و لندن (کانادا) برگزار شد، کادרהای حزب کمونیست کارگری عراق و ایران و نیز تعدادی از رهبران اتحادیه های کارگری و فعالین سوسیالیست و کمونیست در این کشورها سخنرانی کردند. با توجه به صد و پنجاهمین سالروز مانیفست کمونیست، تاکید بر جایگاه و اهمیت مانیفست و ضرورت ایجاد احزاب کمونیستی کارگری تم مشترک سخنرانیهای امسال بود. در این مراسمها به مبارزات کارگری در کشورهای مختلف اشاره شد و بر همبستگی جهانی کارگری تاکید گردید.

در کانادا رفقا آوات سعید عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق، دارل تینگلی دبیر اتحادیه سراسری کارگران پست کانادا، مسعود ناظری و امیر پیام اعضای کمیته حزب در کانادا، بوریس آلن عضو هیئت اجرایی اتحادیه کارگران اتوموبیل سازی شهر سنت‌کاترین و معاون اجرایی شورای کار این شهر، حسن وارث دبیر همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در کانادا، جان کلارک سازمانده و رهبر جنبش ضد فقر انتاریو، فرد میوز پرزیدنت اتحادیه کارکنان بیمارستانهای استان بریتیش کلمبیا، سیلویا تابلر از سوی اتحادیه کارگران خدمات خانگی، فریدون البرز عضو اتحادیه بین المللی کارگران آمریکای شمالی لوکال ۱۶۱۱ و عضو کمیته کشوری کانادای حزب کمونیست کارگری ایران، سخنرانان مراسمها بودند. فعالین دو حزب در تورنتو و سنت کاترین همچنین در تظاهرات و راهپیمایی های اعتراضی علیه تعرضات دولت انتاریو به کارگران شرکت کردند. در ونکوور نیز فعالین دو حزب در تظاهرات و راهپیمایی روز جهانی کارگر که توسط شورای کارگران ونکوور فرخوان داده شده بود شرکت کردند. در این تظاهرات، پیام حزب به مناسبت اول ماه مه توسط مهین نریمانی کادر حزب کمونیست کارگری ایران برای جمعیت شرکت کننده قرائت شد که مورد استقبال آنان قرار گرفت.

در آمریکا علی جوادی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران و سوزی وایزمن سخنرانی کردند.

در سوئد فرهاد بشارت عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، هلاله رافع کادر حزب کمونیست کارگری عراق، دان پرشون از طرف مرکز کمونیستهای کارگری سوئد، بهزاد بارخدائی کادر حزب کمونیست کارگری ایران، احسان اله خان رهبر جبهه رهائی کودکان از کار بردگی در پاکستان، لارش هنریکسون دبیر اتحادیه کارگری کارخانه ولوو بخش تولید، رعد سلیم از حزب کمونیست کارگری عراق، رونالد نیمن از رهبری سوسیالیستهای عدالت در سوئد و جعفر رسا کادر حزب کمونیست کارگری ایران سخنرانی کردند.

در آلمان طاهر حسن عضو دفتر

سیدنی، استرالیا، ۱۹۹۸

سیدنی، استرالیا، ۱۹۹۸. در این مراسمها که در لوس آنجلس (آمریکا)، کلن، هامبورگ و کاسل (آلمان)، سیدنی (استرالیا)، لندن (انگلیس)، استکهلم و گوتنبرگ (سوئد)، هلسینکی (فنلاند) و تورنتو، ونکوور و لندن (کانادا) برگزار شد، کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق و ایران و نیز تعدادی از رهبران اتحادیه های کارگری و فعالین سوسیالیست و کمونیست در این کشورها سخنرانی کردند. با توجه به صد و پنجاهمین سالروز مانیفست کمونیست، تاکید بر جایگاه و اهمیت مانیفست و ضرورت ایجاد احزاب کمونیستی کارگری تم مشترک سخنرانیهای امسال بود. در این مراسمها به مبارزات کارگری در کشورهای مختلف اشاره شد و بر همبستگی جهانی کارگری تاکید گردید.

در کانادا رفقا آوات سعید عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق، دارل تینگلی دبیر اتحادیه سراسری کارگران پست کانادا، مسعود ناظری و امیر پیام اعضای کمیته حزب در کانادا، بوریس آلن عضو هیئت اجرایی اتحادیه کارگران اتوموبیل سازی شهر سنت‌کاترین و معاون اجرایی شورای کار این شهر، حسن وارث دبیر همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در کانادا، جان کلارک سازمانده و رهبر جنبش ضد فقر انتاریو، فرد میوز پرزیدنت اتحادیه کارکنان بیمارستانهای استان بریتیش کلمبیا، سیلویا تابلر از سوی اتحادیه کارگران خدمات خانگی، فریدون البرز عضو اتحادیه بین المللی کارگران آمریکای شمالی لوکال ۱۶۱۱ و عضو کمیته کشوری کانادای حزب کمونیست کارگری ایران، سخنرانان مراسمها بودند. فعالین دو حزب در تورنتو و سنت کاترین همچنین در تظاهرات و راهپیمایی های اعتراضی علیه تعرضات دولت انتاریو به کارگران شرکت کردند. در ونکوور نیز فعالین دو حزب در تظاهرات و راهپیمایی روز جهانی کارگر که توسط شورای کارگران ونکوور فرخوان داده شده بود شرکت کردند. در این تظاهرات، پیام حزب به مناسبت اول ماه مه توسط مهین نریمانی کادر حزب کمونیست کارگری ایران برای جمعیت شرکت کننده قرائت شد که مورد استقبال آنان قرار گرفت.

در آمریکا علی جوادی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران و سوزی وایزمن سخنرانی کردند.

در سوئد فرهاد بشارت عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، هلاله رافع کادر حزب کمونیست کارگری عراق، دان پرشون از طرف مرکز کمونیستهای کارگری سوئد، بهزاد بارخدائی کادر حزب کمونیست کارگری ایران، احسان اله خان رهبر جبهه رهائی کودکان از کار بردگی در پاکستان، لارش هنریکسون دبیر اتحادیه کارگری کارخانه ولوو بخش تولید، رعد سلیم از حزب کمونیست کارگری عراق، رونالد نیمن از رهبری سوسیالیستهای عدالت در سوئد و جعفر رسا کادر حزب کمونیست کارگری ایران سخنرانی کردند.

در کانادا رفقا آوات سعید عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق، دارل تینگلی دبیر اتحادیه سراسری کارگران پست کانادا، مسعود ناظری و امیر پیام اعضای کمیته حزب در کانادا، بوریس آلن عضو هیئت اجرایی اتحادیه کارگران اتوموبیل سازی شهر سنت‌کاترین و معاون اجرایی شورای کار این شهر، حسن وارث دبیر همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در کانادا، جان کلارک سازمانده و رهبر جنبش ضد فقر انتاریو، فرد میوز پرزیدنت اتحادیه کارکنان بیمارستانهای استان بریتیش کلمبیا، سیلویا تابلر از سوی اتحادیه کارگران خدمات خانگی، فریدون البرز عضو اتحادیه بین المللی کارگران آمریکای شمالی لوکال ۱۶۱۱ و عضو کمیته کشوری کانادای حزب کمونیست کارگری ایران، سخنرانان مراسمها بودند. فعالین دو حزب در تورنتو و سنت کاترین همچنین در تظاهرات و راهپیمایی های اعتراضی علیه تعرضات دولت انتاریو به کارگران شرکت کردند. در ونکوور نیز فعالین دو حزب در تظاهرات و راهپیمایی روز جهانی کارگر که توسط شورای کارگران ونکوور فرخوان داده شده بود شرکت کردند. در این تظاهرات، پیام حزب به مناسبت اول ماه مه توسط مهین نریمانی کادر حزب کمونیست کارگری ایران برای جمعیت شرکت کننده قرائت شد که مورد استقبال آنان قرار گرفت.

در سوئد فرهاد بشارت عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، هلاله رافع کادر حزب کمونیست کارگری عراق، دان پرشون از طرف مرکز کمونیستهای کارگری سوئد، بهزاد بارخدائی کادر حزب کمونیست کارگری ایران، احسان اله خان رهبر جبهه رهائی کودکان از کار بردگی در پاکستان، لارش هنریکسون دبیر اتحادیه کارگری کارخانه ولوو بخش تولید، رعد سلیم از حزب کمونیست کارگری عراق، رونالد نیمن از رهبری سوسیالیستهای عدالت در سوئد و جعفر رسا کادر حزب کمونیست کارگری ایران سخنرانی کردند.

در آمریکا علی جوادی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران و سوزی وایزمن سخنرانی کردند.

حمله به زنان رعشه های مرگ جمهوری اسلامی

ما بارها گفته ایم که موقعیت زنان بارومتر سیاسی وضعیت جمهوری اسلامی است. بارها گفته ایم که کمترین بهبود در وضعیت زنان در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است. و متقابلا کمترین پیشروی زنان ارکان جمهوری اسلامی را به رعشه مرگ میاندازد. حملات اخیر جمهوری اسلامی به زنان بهترین گواه این واقعیت است.

اعتراضات مردم بالا گرفته است. جمهوری اسلامی زیر حملات پی در پی کارگران و مردم معترض و به تنگ آمده است. زنان برای تغییر شرایطشان جمهوری اسلامی را زیر فشار قرار داده اند. جمهوری اسلامی در کنار گلوله باران تظاهرات مردم، زندان و شکنجه کارگران اعتصابی، دفاع از حقوق زنان و صحبت از برابری زن و مرد، انتقاد به سرکوب زنان را ممنوع اعلام کرده است. و همه خوب میدانیم که این یعنی تهدید به مرگ و سنگسار هر آنکس که بخواهد از حقوق زن دم بزند. و انداختن دار و دسته اوباش انصار حزب الله به جان هر آنکس که بخواهد سرکشی و سرپیچی کند.

قدری رژیم به همین جا ختم نشده است، بمنظور ارعاب مردم و به تسلیم کشاندنشان، محدودیت های باز هم بیشتری بر زنان تحمیل شده است. چاپ عکس زنان در مطبوعات ممنوع شده و آپارتاید جنسی با وقاحت بی نظیری به عرصه پزشکی و بیمارستان ها تعمیم داده شده است. عملی که پیش از اینهم رژیم بارها در صدد عملی کردن آن برآمد، ولی از ترس گسترش اعتراض و مقاومت مردم از پیگیری آن خودداری کرد.

جمهوری اسلامی صدای ناقوس مرگش را شنیده است، لرزه های ارکان قدرتش را احساس کرده است، و دست زدن به این اقدامات هیچ چیز جز تقلاهای دم مرگ آن نیست. این اقدامات سرکوبگرانه و زن ستیزانه جمهوری اسلامی محکوم است. و باید با اعتراض قاطعانه از جانب تمامی نیروهای آزادیخواه و برابری طلب پاسخ گیرد.

آذر ماجدی
سردبیر نشریه مدوسا
 ۱۲ مه ۱۹۹۸

اخباری از محافل کارگری ایران

– طبق گزارشات رسیده از محافل کارگری در ایران اخیرا رژیم در نزدیکی کارخانه سیمان ری کمیته ای ویژه بازجویی از کارگران معترض در کارخانجات بنام "کمیته پل سیمان" دایر کرده است و در این مدت حدود ۵۰، ۶۰ نفر از کارگران کارخانجات جنوب تهران در این کمیته مورد بازجویی قرار گرفته اند.

– در هفته اول اردیبهشت ماه حدود صد نفر از کارگران بیکار در دزفول به اداره کار در این شهر مراجعه کرده و خواهان اشتغال بکار شدند. این کارگران از اینکه نام آنها در لیست کارگران قراردادی استخدامی در صنایع نیشکر کارون قرار نداشت و در مقابل خواست خود پاسخی دریافت نمیکردند به خشم آمده و دست به حرکتی اعتراضی زدند. آنها به پرتاب سنگ به اداره کار این شهر حمله برده وشیشه های آنجا را شکستند. خواست اساسی این کارگران اشتغال بکار است.

– کارگران کارخانه ذوب فلز یزد در فروردین ماه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود دست به اعتصاب زدند.

– گزارش میشود که در مراکز کارگری در حوالی شوش و اندیمشک زمزمه های اعتراضی بالا گرفته و موج این اعتراضات به شهرهای دیگر کشیده شده است. خواست اصلی کارگران در این اعتراضات افزایش دستمزدهاست .

هدف وسیله را توجیه نمیکند

مدتی است که در شهرهای آلمان اطلاعاتیه های متعددی پخش میشوند که در آنها فرد یا افرادی به عنوان جاسوسان جمهوری اسلامی معرفی می شوند. نوع و روش صدور اطلاعاتیه ها ما را بر آن داشت تا مستقل از نیت کسانی که به انتشار این اطلاعاتیه ها مبادرت ورزیده اند و کاملا مستقل از اینکه متهمین چه کسانی هستند نکات زیر را به اطلاع مردم برسانیم.

در این شک نیست که سازمانها و فعالین سیاسی مخالف رژیم در خارج کشور حق دارند و بلکه موظفند در نهایت هوشیاری با جاسوسان و عوامل رژیم در خارج کشور برخورد کنند و توطئه های رژیم علیه اپوزیسیون را افشا و خنثی کنند. این یک امر حیاتی برای هر سازمان و فردی است که بطور جدی علیه این رژیم ترورист فعالیت میکند. اما مانند هر قلمرو دیگر فعالیت سیاسی، این امر باید به نحوی پیش برده شود که اصول مدنی و انسانی مقدس و والائری نقض و لگد مال نشود. این مورد خاص، یعنی صدور اطلاعاتیه و اعلام اسامی افرادی بعنوان جاسوس رژیم، یک نمونه آشکار این نقض اصول است. حیثیت و حرمت تک تک انسانها مقدس است. افترا مجاز نیست. اصل بر برائت است، جرم هرکس فقط میتواند در مرجعی ذیصلاح و منصف که همه ادله، اتهامات و دفاعیات را بررسی میکند و موظف به کشف بیطرفانه حقیقت است به ثبوت برسد. محاکمه و مجازات از طریق جراید و توسط جراید نقض حقوق مدنی پایه ای مردم است. اگر این روش باب شود آتووقت هیچکس در برابر هتک حرمت و ترور شخصیت مصون نخواهد ماند. مبارزه با عوامل و جاسوسان رژیم باید با نهایت احساس مسئولیت نسبت به این اصول حیاتی و ابتدایی همراه باشد. اطلاعاتیه هایی که در هفته های اخیر با امضای یک هیئت هشت نفره بدست ما رسیده فاقد این احساس مسئولیت است.

اتهام جاسوسی به افراد آنها در ملاء عام و بدون آنکه متهمین امکان دفاع از خود را داشته باشند مغایر با کلیه موازینی است که برای حفظ حرمت و حیثیت و حقوق شهروندی انسانها لازم الاجرا هستند. حقوق متهم چیست؟ در کدام دادگاه محاکمه شده و قضات دادگاه را چه کسانی و با چه معیارهائی تشکیل میداده اند؟ اتهام بر چه ادله ای استوار است؟ اظهارات خود متهم و وکلای مدافعش چیست؟ در این مورد هیچکدام از اینها روشن نیست. حق پایه ای خود هر متهم است که قبل از هر کس از نوع و موارد اتهام مطلع شده و امکان دفاع از خود را بیابد. برای فعالین اپوزیسیون جمهوری اسلامی، یعنی رژیمی که در تمام حیات ننکین بیست ساله اش کوچکترین حقوقی را برای متهمین قائل نبوده و تعداد بیشماری از مخالفین خود را بدون برخورداری از هیچ گونه حق دفاع حقوقی از خود به قتل رسانده است، رعایت چنین موازینی و حساسیت در مورد آن از اهمیتی به مراتب بیشتر برخوردار است.

اینها فاکتورهائی است که به طور جدی احساس مسئولیت صادر کنندگان اطلاعاتیه های فوق را زیر سوال میبرد. هدف از افشای فعالیت جاسوسان جمهوری اسلامی باید خنثی کردن آنان و امن کردن فضای فعالیت سیاسی در خارج از کشور باشد. روش این اطلاعاتیه ها به عکس آن منجر میشود.

علاوه بر مورد فوق اطلاعاتیه بی امضایی هم منتشر شده است که در آن یک نفر به عنوان جاسوس جمهوری اسلامی معرفی میشود که از قرار مشغول گرد آوری اطلاعات در مورد فعالین سیاسی در شهر هانوفر است. صرفنظر از سستی دلالتی که در این اطلاعاتیه ذکر شده است، اشکال اصلی آن نداشتن امضا است. این شیوه ای مشکوک و پلیسی است. این حق خدشه ناپذیر هرکس است که متهم کننده خود را بشناسد. اطلاعاتیه های بدون امضا، بویژه زمانی که موضوع آنها وارد کردن اتهام جاسوسی به افراد باشد، فاقد هرگونه اعتبار بوده و فقط و فقط باید مشکوک تلقی شوند و محکوم شوند.

حزب کمونیست کارگری به سهم خود هر اطلاع و خبر و شایعه امنیتی را جدی تلقی میکند و اقدامات لازم برای حفظ امنیت خود را مستقل از صحت و سقم اینگونه اخبار بعمل میآورد. هر سازمان سیاسی دیگری که با رژیمی از قماش رژیم اسلامی روبروست نیز باید چنین کند. اما حفظ امنیت خویش هرگز نمیتواند توجیه و بهانه ای برای نقض حقوق مدنی و انسانی مقدس دیگران باشد. مبارزه برای آزادی هیچ بخشی از مردم نمیتواند به بهای نقض آزادی و حقوق بخشی دیگر پیش برده شود. مبارزه امروز ما سیمای جامعه فردا را رسم میکند. ما صمیمانه و جدا به همه کسانی که از سر خیرخواهی برای مبارزه علیه رژیم اسلامی به صدور این اطلاعاتیه ها دست زده اند میخواهیم که از این روش فاصله بگیرند. این روش غیر اصولی و مخرب است. باید روش اصولی را جست و ما برای هر همفکری با دوستان برای یافتن این روش اصولی آماده ایم. و بالاخره تاکید میکنیم که از نظر ما اصل بر برائت است و مادام که جرمی در یک مرجع صالح و در یک روند عادلانه علیه کسی به ثبوت نرسیده باشد، آن شخص، و طبعاً کسانی که از آنها در این اطلاعاتیه ها نام برده شده است، شهروندان محترم و بیگناه جامعه محسوب میشوند.

تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران
 ۱۳ مه ۹۸

نگاهی به اخبار جهان

اعتصاب عمومی کارگران دانمارک

با دخالت دولت دانمارک اعتصاب دوهفته ای نیم میلیون کارگر از روز هشتم مه رسماً پایان یافت. پس از آنکه مذاکره LO با سازمان کارفرمایان بر سر خواستههای اعتصاب بی نتیجه قطع شد، دولت دانمارک با اضافه کردن قانونی یک روز مرخصی برای همه کارگران و دو روز دیگر برای نگهداری از کودکان و بیماران که شامل بخشی از کارگران میشود از پارلمان علیه ادامه اعتصاب یاری گرفت. خواست اعتصاب کارگران افزایش یک هفته بر مرخصی سالیانه بود. دولت در مقابل امتیازی که ناچار شده بود به کارگران اعتصابی بدهد، به کارفرمایان امتیاز بیشتری داد و آنان را بازاء هر کارگر، از ۳۲۵ کرون هزینه پرداختی به دولت معاف کرد. با وجود پایان رسمی اعتصاب روز دوشنبه ۱۱ مه شمار زیادی از کارگران بعنوان اعتراض به دخالت ضدکارگری دولت تجمع کردند و در برخی مراکز کار اعتصاب همچنان ادامه یافت. این اعتصاب بزرگ علاوه بر اینکه از سمپاتی وسیع طبقه کارگر و مردم دانمارک برخوردار بود، پشتیبانی بین المللی وسیعی را نیز به خود جلب کرده بود. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران هم در اطلاعیه ای از این اعتصاب به گرمی اعلام حمایت کرد. در اطلاعیه از جمله آمده است:

اعتصاب بیش از نیم میلیون نفر از کارگران دانمارک در روز دوشنبه ۲۷ آوریل، دانمارک را به حالت نیمه تعطیل درآورد. رای منفی کارگران به قرارداد توافق شده بین اتحادیه کارگران و اتحادیه کارفرماها که هیچکدام از خواستههای کارگران را نمایندگی نمیکند، اعتصاب اخیر کارگران را امکانپذیر و اتحادیه کارگران و کارفرمایان رابطورجدی شوکه کرد.

از نشریات داخل

جمهوری اسلامی (۲۳ اردیبهشت)

(از قول خامنه ای در دانشگاه، در جواب سوالی راجع به جامعه مدنی) "جامعه مدنی یک عبارت است. باید دید معنای آن چیست. البته این عبارت در غرب معنای خاصی دارد که با مفهوم آن در ایران متفاوت است و در کشور ما، آقای خاتمی این مساله را طرح کرده اند و ایشان گفته اند که جامعه مدنی مورد نظر ایشان همان مدینه النبی است که ما همه حاضریم در راه آن جانمان را بدهیم."

جمهوری اسلامی (دو اردیبهشت)

(از قول خاتمی در بلوچستان) "بعضی توطئه ها در صددند با حذف اسلامیت چیز موهومی بنام هویت ایرانی منهای اسلام را زنده کنند. در

هم اکنون بیش از نیم میلیون نفر از کارگران دانمارک برای گرفتن ۶ هفته مرخصی در سال در اعتصاب بسر میبرند. مطالبه کارگران اعتصابی هر چند اندک اما واقعی و قابل تحقیقاند. اعتصاب از پشتیبانی اکثریت مردم دانمارک و حمایت بین المللی کارگری بالائی برخوردار شده است و هر روز که از اعتصاب میگذرد پشتیبانان بیشتری پیدا میکند. دولت سوسیال دمکرات و کل بورژوازی دانمارک و حامیان بین المللی اش با تهدید، اجیر اعتصاب شکن، تحریک مردم علیه کارگران و هیچکدام از این ترفندها نتوانسته است خللی در عزم و اراده کارگران اعتصابی وارد کند. با اعتصاب کارگران دانمارک نه تنها جامعه دانمارک به حالت فلج در آمده است، بلکه بعضی از کارخانههای اسکاندیناوی به حالت نیمه تعطیل درآمدهاند و کارگران بعضی از مراکز کارگری در این کشورها با پشتیبانی از این اعتصاب دست از کار میکشند. این اعتصاب کل بورژوازی اروپا را دچار کابوس کرده است. این نتیجه منطقی کمتر از یک هفته اعتصاب نیم میلیون کارگر فقط در دانمارک است. تولید کنندگان و گردانندگان واقعی جامعه به مبارزه برخاستهاند...

طبقه کارگر جهانی امروز به حرکاتی تعرضی با افعی بسیار روشن نیازمند است تا تعرض بورژوازی در مقیاس جهانی را بعقب براند و نیروی واقعی خود را برای انقلاب کارگری و بنای یک دنیای بهتر بکار اندازد. تحقق این امر امروز بیش از هر زمان دیگر به وجود یک جنبش قدرتمند رادیکال و کمونیستی در میان کارگران و وجود احزاب قدرتمند کمونیست کارگری گره خورده است. تشکیل احزاب کمونیست کارگری و خواست انقلاب کارگری ضرورت امروز است.

مقابل ممکن است برخی به بهانه اینکه اسلامگرا هستند هویت ایرانی را نفی کنند. در حالیکه ایران اسلامی هویت ماست. مهمترین پایه هویت فرهنگی ما تفکر اسلامی و فرهنگ اسلامی است.

همشهری (دو اردیبهشت)

"زنها قربانیان نزاعهای خانوادگی: در دو حادثه در استان زنجان دو زن کشته شدند. در روستای آغوجیای خدابنده یک زن و شوهر به مشاجره لفظی پرداخته و کارشان به درگیری میکشد. شعبان قیداری با ضربات چاقو همسر خود ظریفه را بقتل رساند و گریخت. در روستای رامین زنجان یک دختر ۱۸ ساله که نزد پدر بزرگ خود زندگی میکرد، توسط عمویش بقتل رسید. قاتل پس از کشتن برادرزاده خود جسد او را به رودخانه انداخت و فرار کرد. هیچیک از متهمان تاکنون دستگیر نشده اند."

<http://www.wpiran.org>

از صفحه حزب در اینترنت

دیدن کنید:

به حزب کمونیست کارگری ایران کمک مالی کنید

رویدادهای ایران

شرط اول تامین امنیت مردم ایران سرنگونی بساط کل رژیم اسلامی است

در حاشیه اظهارات صفوی، فرمانده سپاه پاسداران

همراه با گسترش تحرک سیاسی بخشهای مختلف جامعه ایران و لحظه شماری مردم برای سرنگونی شدت مییابد. این روزها فرماندهان نظامی در جنگ جناحها برای خراب کردن آوار بر سر دیگری و سرپا نگهداشتن نظام میگویند "باید ارشاد کرد"، دیگری میگوید "زبان ما شمشیر ماست". عسگری فرمانده بسیج تهران میگوید "جوانهای طرفدار "رپ" و "هوی متال" را هم باید به زبان خوش راهنمایی کرد و با آنها درگیر نشد"، و صفوی فرمانده سپاه میگوید "با آقای مهاجرانی یک ساعت بحث کردم و گفتم راه شما امنیت ملی را تهدید میکند ... بعضی ها را باید گردن بزیم و بعضی ها را زبانشان را قطع کنیم".

حقیقت اینست که هر دو از رفتن وحشت دارند، هر دو برای ماندن می جنگند. مردم هم دارند هر دویشان را به لبه پرتگاه نزدیک میکنند. این واقعیتی است که اینها را بجان هم انداخته است. "امنیت ملی" برای این خیل کهنه پرستان مومینائی یعنی حفظ نظام جمهوری اسلامی. در مقابل، امنیت برای مردم ایران یعنی خلاص شدن از این کابوس بیست ساله، یعنی پاک شدن آن از صحنه سیاست و فرهنگ و تاریخ جامعه ایران، یعنی بزیر کشیدن کلیت رژیم اسلامی.

لمپن - چاقوکشانی که امروز دم از زبان شمشیر میزنند میخواهند وانمود کنند که تازه دستشان را دارند بطرف دسته ساطور و چاقو میبرند. گویا کشتار، قتل عام و اعدام دستجمعی و سرکوب هر صدای حق طلبانه ای طی بیست سال اخیر، تحمیل زندگی سپاه بر خانواده کارگری و هر انسانی که از کار شرافتمندانه امرا معاش میکند، سنگسار زنان و دختران و پاشیدن اسید و عریده و چاقو کشی روزمره گلهای حزب الله همه لائیهی های اسلامی بوده که توسط قاریان آسمانی ای مانند خلخال و کیلانی و رفسنجانی و هزاران حیوان دیگر از قماش آنها زمزمه شده است. این کارها دیگر کارگر نیست و گرنه پاسدار و ملایمت با "رپ" و "هوی متال"؟ اینها عریده است. عریده از ترس مرگ.

کارگر و زحمتکش ایران هم آزادی کامل و بیقید و شرط سیاسی را میخواهد و هم رفاه و حق برخورداری از نعمات مادی و فرهنگی را. مهمتر اینکه میدانند که تنها با کوتاه کردن کامل دست مذهب از زندگی مردم با کنار زدن جمهوری اسلامی از سر راه اینها همه ممکن میشود. بیست سال است که این مردم هم شمشیر را تجربه میکنند و هم سیاست های جناح باصطلاح غیر افراطی را. دیگر حنای هیچیک برایشان رنگی ندارد. تلاش امروز کارگران، زنان و جوانان تلاشی برای تحقق امنیت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در فردای جامعه ایران است و امنیت رژیم جمهوری اسلامی اولین مانع آن است. شرط اول تامین امنیت شهروندان جامعه ایران دل نیستن به وعده های جناحهای رژیم، سرنگونی بساط ارتجاعی رژیم اسلامی و برقراری فوری یک حکومت کارگری است. برای رسیدن به آزادی واقعی راهی دیگر وجود ندارد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران! زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - کمیته داخل

۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۷ (۱۹۹۸ مه)

خطاب به فرج سرکوهی

اپوزیسیون طرفدار خاتمی، دول و رسانه های غرب که منفعتشان در حفظ نظام حاکم بر ایران است، و جمهوری اسلامی که به پشتیبانان مطهر و نامشکوک تازه نفس نیاز دارد، دستاندرکارانند تا از فرج سرکوهی یک قهرمان مدافع خاتمی بسازند.

در فرودگاهها به استقبالش خواهند رفت. میهمانیها برایش برگزار خواهند کرد. تا آن فرودگاهها و سالنهای ترازیت بین مرگ و مرگ و ایستگاههای شکنجه و تحقیر را فراموش کند و از عاملین آنها سخنی به میان نیاورد. تا آن میهمانی را که با هجوم پلیس و پاسدار بدل به کابوس شد و مقدمه ای بود بر فصلی دردناک از حدیث زندگیش، از یاد ببرد و از مواهب آزادی در ایران تحت حاکمیت خاتمی بگوید.

هشدار که با آزادی از زندان جمهوری اسلامی، با پای خود به بند اسارت سیاسی آن بازنگردد و ابزاری در تحکیمش نشود.

نادر بکتاش

۵ مه ۱۹۹۸

آدرسهای تماس و حسابهای بانکی حزب کمونیست کارگری ایران

K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden	Postfach 103137 50471 Köln Germany	BM Box 8927 London WC1N 3XX England	W.P.I Box 719stn.P Toronto, ONT .M5S 2Y4 Canada
--	--	---	--

Postgiro: 4492709-3 K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden	Z.I.KONTO: 17116703 BLZ: 10090000 Berliner Volksbank Germany	Account No:07687 Royal Bank of Canada 10 Eglinton Ave. E Toronto, Ont M4P 2W7 Canada
--	---	--

Fax: (46) 08-659 82 22
E.Mail: 100260,3324@compuserve.com
E.Mail: wp.iran@mailbox.swipnet.se

تلفن تشکیلات خارج کشور
۰۲۰-۵۸۸۵۸۳۶ (۴۶)
دوشنبه، چهارشنبه، جمعه ساعت ۱۱-۱۴